

فاتحة الكتاب

(تفسير سورة حمد)



شهيد محراب
آية الله سيد عبدالحسين بن تغيب رحمته الله

سرشناسه: دستغیب، عبدالحسین، ۱۲۹۲ - ۱۳۶۰.
عنوان و نام پدیدآور: فاتحة الكتاب (تفسير سورة حمد) سيّد عبدالحسين دستغيب.
مشخصات نشر: قم: جامعة مدرّسين حوزه علميّة قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهري: ۳۶۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۴۳-۱۳۴-۰

ISBN 978 - 600 - 143 - 134 - 0

وضعيت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: چاپ قبلي: دار الكتاب، ۱۳۷۱.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۳۲] - ۳۳۶: همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: تفاسیر (سورة فاتحه).

شناسه افزوده: جامعة مدرّسين حوزه علميّة قم، دفتر انتشارات اسلامي.

رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۳ ف ۵۵ / ۱۲ / ۱۰۲ BP.

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۸.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۵۸۲۱۲.

فاتحة الكتاب (تفسير سورة حمد)

- مؤلف: شهيد محراب آية الله سيّد عبدالحسين دستغيب رحمه الله
- موضوع: تفسير
- قطع: رقعي
- نوبت چاپ: اول
- چاپ و نشر: دفتر انتشارات اسلامي
- تعداد مجلدات: یک جلد
- تعداد صفحات: ۳۶۰
- تاريخ انتشار: تابستان ۱۳۹۳
- شمارگان: ۱۰۰۰

پیشگفتار

سورة حمد، فاتحة الكتاب

قرآن مجید، وحی آسمانی و یادگار بزرگ پیغمبر اسلام [است] که انواع علوم و راهنماییهای معنوی را برای پیروان خود در بر دارد. نخستین سوره که به عنوان «فاتحة الكتاب»؛ یعنی شروع قرآن مجید و همچنین «أُمّ الكتاب»؛ یعنی «مادر قرآن» به شمار می رود، سورة شریف «حمد» می باشد که همه معانی قرآن را به طور فشرده داراست. و راستی از الطاف الهی بر مسلمانان است که اقلّاً ده مرتبه در شبانه روز، واجب فرموده در نمازهای پنجگانه بخوانند و از برکات این سورة شریف، بهره مند گردند.

توفیقات الهی در ماه قرآن

قرآن، در ماه مبارک رمضان نازل شده؛^(۱) همان ماهی که باید در آن کسب معرفت کرد و از خرمن پر فیض قرآن، خوشه برچید. قرائت و تفسیر آن، رشته‌ای از فیوضات این ماه عزیز است.

۱- «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...» بقره: ۱۸۵.

از جمله سعادتهایی که نصیب عالم عامل و روحانی مجاهد گردید. آن بزرگواری که در مدت هفتاد سال عمر پر برکت خود، خداوند، چه ترتیب اثرهایی به اخلاصش داد، در یک ماه مبارک رمضان، بحث تفسیر سورة حمد را در جمع هزاران نفر از شیرازیان متدین - که سخنانش را چون گوهر بر می گرفتند - ایراد نمود.

صدها مطلب کوچک و بزرگ در این سخنرانیها مطرح گردید و با سخنان متنوع و داستانهای شیرین، از ملال آوردن و خستگی شنونده جلوگیری فرمود.

خیرات باقیات نتیجه اخلاص

سالها از این سخنرانیها گذشت و در آستانه دومین سالگرد شهادت آن بزرگوار هستیم، اما نتیجه اخلاصش را در ترتیب اثر دادن حق تعالی به سخنان آن ایامش را به صورت این کتاب می بینیم؛ کتابی که برایش به عنوان «خیرات باقیات» می ماند.

آری، خداوند، خبر داده است که:

«پاداش کسی که برای او کار کند، ضایع نخواهد گذاشت...» (۱)

چه پاداشی از این برتر؟ سخنانی که در جمع محدودی ایراد شده اکنون در سطح وسیعی منتشر می گردد. سخنانی که فراموش می شد و از خاطره ها می رفت، اینک به رشته تحریر در آمده و جاودان می ماند.

۱ - ... أَتَى لَا أَضِيعَ عَمَلٍ عَمِلَ مِنْكُمْ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَتَى... ﴿آل عمران: ۱۹۵﴾

آری، این است نتیجهٔ اخلاص؛ کاری که برای خدا شود، خداوند، چندین برابر به آن اثر می‌دهد.

افاتحة الكتاب | از پر مطلب‌ترین کتابهاست

شکی نیست که «افاتحة الكتاب»، از کتابهای بسیار پر مغز و مطلب‌دار شهید آیه الله دستغیب می‌باشد که اینک برای نخستین بار در سطح وسیعی منتشر می‌گردد.

بحث تفسیری است که صدها مطلب اخلاقی و عرفانی، راه و رسم بندگی، نعمتهای مادی و معنوی، اصول عقاید و معارف را در کنار آن می‌بینیم و اینک که فرصتی به دست آمد، مناسب است به عنوان تحلیلی از این کتاب، در مقدمهٔ آن، عناوین [مهم] آن را تا حدی مورد بحث قرار دهیم، باشد که به کار آید.

خاصیتهای متعدّد برای سورة حمد

عمدهٔ مطالب نخستین بخش این کتاب، به اهتمام به قرائت و تفسیر قرآن می‌پردازد، آن هم در ماه مبارک که نعمت گرسنگی و خالی بودن شکم؛ این نعمت بزرگ روحانی، نصیب شده است، [پس] چه بهتر که بحث «تفسیر حمد» که به عنوان «افاتحة الكتاب» و «ام الكتاب» و «سبع المثانی» است، مطرح گردد.

آن سورة شریفی که عطاى خداوند به حبیبش محمد ﷺ است

و خلاصه و شیره مطالب قرآن و داروی دردها و شفای معجزه آساست، پس چه بهتر که در این ماه رحمت، با تدبیر بیشتر در قرآن مجید، بهره زیادتري ببریم.

در ضمن این بخش، احادیث و داستانهای چندی برای شاهد مطلب و تنوع در سخن به کار رفته که در جذابیّت سخن، نقش اساسی دارد.

دوام ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ و اسلحه مؤمن

دومین بخش این کتاب، از «اهمّیت علم و تحصیل معرفت» شروع می شود و از نامهای «سورة حمد» و شرح آن، بحث می کند و از «آم الكتاب» و «سبع المثانی» و «فاتحة الكتاب» سخن می گوید و به تفسیر مشروح ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ ادامه می یابد.

آری، شیره مطالب کتابهای آسمانی، در قرآن و خلاصه قرآن در سورة حمد و خلاصه حمد نیز در بای ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ نهفته است.

از ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ به عنوان اسلحه دست مؤمن در برابر شیاطین، دشمنان ظاهری و باطنی یاد می کند و مخصوصاً تأکید می نماید که باید ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ گفتن برای مؤمنین ملکه شود در بهترین مکانها؛ یعنی مسجد و پست ترین مکانها؛ یعنی مستراح ترک نشود تا چه رسد به جاهای دیگر. سپس خاصّیتهای متعدّدی برای ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ بر می شمارد که از آن جمله اگر عقیده و اخلاصی در کار باشد می تواند ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ بگوید و از آب رد شود و برای شاهد مطلب، داستان شاگرد سیدمرتضی را بیان می نماید.

آنگاه از حور ویژه‌ای که خدا برای مؤمنین تهیه دیده سخن می‌گوید، برای کسانی که از روی تعظیم و احترام «بِسْمِ اللَّهِ» را ترک نمی‌گویند و بدین مناسبت از لذت مصاحبت با حور و برخی نعمتهای معنوی یاد می‌کند تا مؤمنین بر سر شوق آیند.

اعتماد به خدا را به جای نفس بیاور

سومین بخش این کتاب از حقیقت بندگی در بای «بِسْمِ اللَّهِ» شروع می‌شود؛ داستان آن ثروتمندی که از خدا برید و به ساعتی گدا و کور گردید، به عنوان عبرت، یاد آور می‌گردد [تا] مبادا کسی در برابر خداوند، استقلالی برای خودش ببیند و از بندگی، منحرف شود.

شهید آیه الله دستغیب سپس کلمه «اعتماد به نفس» را مورد تحلیل و تفسیر قرار داده و آن را در حقیقت یک نوع کفر می‌داند و می‌فرماید: «اعتماد به نفس، از جهل به واقع است. چه نفعی می‌توانی به خودت برسانی؟ آیا بدنت را خودت اداره می‌کنی؟ می‌دانی چند رگ و پی و استخوان داری؟ چرا به جای اعتماد به نفس، نمی‌گویی اعتماد به خدا؟!».

به رحمت با ما رفتار فرما

از اعتماد به نفس، کاری نمی‌آید، تا خدا چه بخواهد؟ چه بسا با جمع بودن اسباب نیز کاری از پیش نمی‌رود و چه بسا با نبودن اسباب، کار انجام می‌پذیرد.

داستان آن میلیونر را که به دو سبب خودکشی کرد، ولی سودمند نیفتاد، ذکر می‌فرماید که راستی عبرت آور است.

به هر حال، باید همهٔ امید و تکیه‌ها به سه نام شریف: الله، رحمان رحیم که در این آیه ذکر شده است، باشد. آرزو داشته باشیم که خداوند به رحمت رحیمه‌اش با ما رفتار فرماید؛ همان رحمتی که یک‌صد برابر رحمت در دنیا است.

خواص متعدّد برای انفاق

چهارمین بخش این کتاب به مناسبت روز جمعه مطالب عام النعمی را عنوان فرموده است؛ بیماری اجتماع را در پول پرستی و ثروت خواهی دانسته، آنها را بر حذر می‌دارد که این روش ناپسند را که به زیان معنوی و حقیقی آنان می‌انجامد، ترک نمایند.

مخصوصاً یاد آور می‌گردد که «عبادت مالی»، به دنبال «عبادت بدنی» است و بیشتر جاها که در قرآن از «نماز» یاد می‌کند، پشت سرش دستور به «زکات» می‌دهد.

مؤمنین باید به روش پیشینیان از زمان پیغمبر برگردند که از بهترین مال خود در راه خداوند صدقه می‌دادند و مواردی که بهترین نخلستان، یا اسب، یا کنیز خودشان را در راه خدا می‌دادند، بر می‌شمارد.

برکت انفاق، شفای بیماریها و رفع گرفتاریها را تأمین می‌نماید و با ذکر روایتی و داستانی از حضرت صادق علیه السلام نتیجه می‌گیرد که برکت بیشتر، در انفاق در راه خداست، نه امساک.

ترحم به مسلمین و قرض الحسنه

سپس تأکید می‌کند:

ای مسلمانان! به خودتان رحم کنید، با کثافت دوستی مال، به گور نروید. بدانید که پول پرستی، بابت پرستی، یکی است. شمر هم برای پول، امام حسین علیه السلام را کشت.

با وام دادن به نیازمندان، از این نوع اتفاق نیز بهره ببرید؛ چرا بهم دینهای خودتان رحم نمی‌کنید؟ وای به حال آن یهودی صفتانی که به مسلمانان ترحم نمی‌نمایند!

باید نیکی رساندن برای مؤمن، ملکه [انسان] شود تا در برزخ و قیامت نیز نیکی رسان گردد.

برای شاهد مطلب نیز از سفر محقق کرکی و خواب دختر طهماسب میرزا و تأمین خرج سفرش یاد می‌نماید.

از غارتهای بعد پیشگیری کنید

سپس به مواعظه می‌پردازد: هر کدام از ما غارت زده می‌شویم، پیش از غارت زدگی، کاری کنیم. پیش از آن که از همه مالمان ما را جدا کنند و پیش از آن که جانوران گور، بدنمان را غارت کنند و پیش از آن که صاحبان حقوق، اعمالمان را در قیامت غارت کنند، اکنون از فرصت استفاده کنیم. برای پیشگیری از غارت در گور، تقوای شدید را دنبال کن و از خدا بخواه که صاحبان حقوق را از تو راضی نماید.

اگر کسی به راستی مفلس وار به در خانه خدا آمد و راه تضرع را که چاره منحصر است، پیش گرفت، البتّه که خداوند فریادرسی می فرماید.

تلافی حق و تبدل بدی به نیکی

سپس نمونه‌ای از تلافی کردن خدا را ذکر می فرماید. هنگامی که صاحبان حق، اطراف مؤمن را در قیامت می گیرند و حقّ خودشان را می طلبند، ندا می رسد:

«حسابش با خود ماست؛ هرکس او را رها کند، این کاخ بهشتی، با این خصوصیات برای اوست، لذا طلبکارها دست از سرش بر می دارند».

آری، با چنین خدای غفور و رحیم، سر و کار داریم که بدیها را پاک می کند و به جایش نیکیها ثبت می فرماید. (۱)

به هر حال، امروز روز تو است و فردا روز خداست، چه بهتر که از این فرصت بهره ببریم و مال و عمرمان را ضایع نکنیم.

اهمیت برای سجده اختیاری است

پنجمین بخش این کتاب، از «بحث سجده» شروع می شود. معنی سجده و خضوع تکوینی همه موجودات برای خداوند، مورد بحث واقع می گردد. از سجده تکوینی آفتاب و اهل ماه و حرکات داخلی و خارجی

کره زمین و اجزای بدن، همه را عبد خدا می‌داند.
 از اطاعت در ختان در آب رسانی به همه اجزا و نظم مدار کرات و حساب
 دقیق در امور فضایی و خلاصه سجده تکوینی در کوچک و بزرگ عالم
 سخن می‌گوید و به راستی می‌فهماند که همه امور به خدا باز می‌گردد.
 اما آنچه مهم است رکوع و سجود و در حقیقت خضوع اختیاری
 بشر است که با ترک شهوات و تحصیل روحانیت، قرب بیشتری به
 پروردگارش پیدا نماید.

تکیه به مسبب الأسباب نه اسباب

سپس حقایقی را بازگو می‌کند؛ از آن جمله: ادراک عظمت از بزرگی
 خود است؛ یعنی تا شخص از حد کوچکی بیرون نیاید، چگونه می‌تواند
 مطالب رفیع را درک نماید.

این جاست که می‌بینیم پیشوایان دینی ما هنگام وضو، یا نماز،
 منقلب می‌شدند؛ چون احساس می‌کردند که می‌خواهند با خدای
 عالمیان سخن گویند.

سپس راهنمایی‌هایی در باب «معرفت» می‌فرماید و خلاصه‌اش این
 می‌شود که: باید مؤمن از اسباب بی‌رود و به مسبب الأسباب پیوندد؛ باید
 تکیه به خزانه خدا باشد، نه اسباب.

طیب باید تکیه‌اش به خدا باشد، نه به حداقت خودش.
 آنگاه داستان شیرینی برای تأیید و شاهد مطلب بیان می‌کند که

چگونه کشتی شکسته‌ای را یک ماه بر روی دریا روان ساخت و آب شیرین را توسط ابر بر بالای آن برایشان فرستاد.

نمونه‌هایی از رحمت رحمانیه

در ششمین بخش این کتاب، از «رحمت حق» سخن می‌رود؛ رحمت رحمانی و رحیمی و رشته‌های مختلف هرکدام را مورد تحلیل قرار می‌دهد. جاذبه عمومی، گردش ماه به دور زمین در مدار معین، شرایط حیات در سطح زمین، نمونه‌هایی از رحمت رحمانی خداست.

از نمونه‌های دیگرش تنظیم نفس کشیدن با خوراک خوردن و تعدد منافذ تنفس و دو مجرای بهم چسبیده در دهان و دریچه نگهبان؛ یعنی زبان کوچک را بر می‌شمارد.

سپس داستان یعقوب لیث، دزد نمک شناسی که به سلطنت می‌رسد، همراه داستان لوطیهای اصفهان را یادآور می‌گردد که چگونه موعظه مرحوم مجلسی به عنوان: نمک خدا را می‌خورید و نمکدان می‌شکنید، در دلش مؤثر گردید که توبه کرد [را] نقل می‌نماید.

در آخر این بحث، نتیجه می‌گیرد که هر چه دل، شکسته‌تر باشد، به رحمت خدا نزدیکتر است.

رحمت رحمانیه مقدمه برای رحمت رحیمی

هفتمین بخش این کتاب، با عنوان «الرَّحْمَن» شروع می‌گردد که

اسم ویژه خداوند بوده و گفتنش بر غیر خدا حرام است؛ چون آن رحمتی که فراگیر است، منحصر به خداست.

بهترین اسم را آنچه با نام خدا همراه است، به عنوان بنده خدا چون عبدالرحمن و عبدالله و عبدالکریم می‌داند.

سپس با برداشت جالبی که به دنباله مقدمه ذکر می‌کند، رحمت رحمانی را مقدمه و به خاطر رحمت رحیمی می‌داند که به اندازه استعداد مؤمنین از آن برخوردار می‌گردند.

آنان که چون خوک در شهوت خوراک و شهوت جنسی فرو رفته‌اند، یا آنان که تمام چون طاووس در فکر خودنمایی هستند، از رحمت رحیمی، بهره نمی‌برند.

محمد ﷺ، قرآن، توبه، شفاعت

آنگاه مصادیقی از رحمت رحیمی که ویژه مؤمنین است، بر می‌شمارد. سایه حضرت خاتم الانبیاء محمد ﷺ را بر سر مؤمنین از شوون رحمت رحیمی خود می‌شمارد و آن وجود مقدس را سبب هدایت قرار داده که هدایت نیز از رشته‌های عظیم رحمت رحیمی اوست. قرآن مجید نیز برای مؤمنین، شفا و رحمت است و همچنین توبه باب وسیعی از رحمت الهی است که برای مؤمنین باز فرموده است و به فرموده علی علیه السلام هیچ شیعی رستگار کننده‌تر از توبه نیست.

شفاعت نیز از ابواب رحمت رحیمی اوست که اسباب امید به لطف و کرم حق می باشد.

اینها بحثهایی است که در این بخش می خوانید و با بعضی از داستانهایی که همراه شد، بر تنوع و جذآیت سخن می افزاید.

قناعت و شرح صدر از رحمت رحیمی

رشته دیگر از رحمت رحیمی که در هشتمین بخش این کتاب بی نظیر مورد بحث قرار می گیرد، حیات طیبه است که به قناعت تفسیر شده است. به مناسبت این بحث، از قناعت ابوذر یاد می کند که فریب فرستاده های معاویه و تطمیع او را نخورد و به نان جوین خویش قناعت نمود.

از رشته های دیگر رحمت رحیمی را «شرح صدر» می داند، از دنیا کنده شدن و به آخرت پیوستن می داند. به دنباله شرح صدر، شناسایی حقیقت می آید و شخص روزانه اعمالش را بررسی می نماید.

از داستان حمّال در دنیا و سلطان در برزخ یاد می کند که به واسطه رعایت حقوق و حلال خوری، تقید به نماز جماعت در اوّل وقت، چگونه به این مقامات رسید.

از بی ارزشی دنیا سخن می گوید که مالش را به قارون و سلطنتش را به فرعون می دهد، اما رحمت رحیمی برای مؤمنین است.

مؤمن، با چراغ الهی حرکت می کند و هدف صحیحش را به برکت نوری که خدا به او عنایت می فرماید، تشخیص می دهد.

شواهد متعدّد برای شعور تکوینی موجودات

نهمین قسمت از این کتاب را «حمد خدا» و معنی و ثواب و شرح آن را تشکیل می‌دهد. «حمد»، ثنای در برابر کمالات است.

همه موجودات تسبیح و حمد تکوینی دارند و تعجّبی هم نباید داشته باشد؛ چون همه دارای شعورند.

به مناسبت بحث، از «شعور درخت خونخوار»، شگفتی در عالم نباتات و معاشقه دو درخت نخل نر و ماده از عالم نباتات، مثال می‌آورد و از زنبور عسل، مهندسی آگاه و گفتگوی همد با سلیمان و همچنین مورچه شاهد می‌آورد.

از گربه جنایتکاری که پس از خوردن کبوتر، به قرآن پناهنده می‌شود و از شیر مجروحی که برای شفای دستش به قبر علی علیه السلام متوسّل می‌گردد، برای این حقیقت شاهد می‌آورد.

تسبیح و تحمید به لسان حال همه موجودات

در دهمین بخش این کتاب جالب، معنی «تسبیح» را «پاک داشتن» و «تحمید» را «ستودن» دانسته است و «تسبیح» را به لسان حال و سپس تکوین، مورد بحث مجدّد قرار می‌دهد.

«تسبیح» به لسان حال را با چه بیان شیرین و ساده‌ای به نظر همگان می‌رساند؛ مثلاً یک پشه را که به نظر آوریم قوای متعدّد بینایی، چشایی، تغذیه، تمیّه بالها و دستگاههای مختلف آن همه می‌گویند به لسان حال

که ما را خدایی است دانا و توانا.

خرطوم پشه که در حکم تلمبه‌ای قوی است، همچون خط زیبایی که به هنر خط‌نویس گواهی می‌دهد، بر حکمت آفریدگارش گواهی می‌دهد. «تسبیح» و «تحمید» به لسان ملکوتی، غیر از لسان حال است بلکه هر موجودی، تسبیح خدا را می‌کند، ولی شما نمی‌فهمید.

در عالم ملکوت، همه‌هاست و مواردی را یادآور می‌شود که همین موجودات، به سخن آمده‌اند.

بازگو کردن جریانات و ندای قبر و نخل

شاهد آیه الله دستغیب برای تحقق زبان ملکوتی اشیاء، به آیاتی از قرآن مجید و شواهدی از روایات متمسک می‌شود؛ از آن جمله «زمین» جریاناتش را بازگو می‌نماید.

و سخن گفتن سنگریزه‌ها در دست پیغمبر، از مسلمات است و همچنین داستان «ناله ستون حنانه» یا «نخل خشکیده» در بیشتر تواریخ اسلامی ثبت می‌باشد و ماجرای «نخل صیحانی» که به رسالت پیغمبر ﷺ و ولایت علی علیه السلام گواهی داد.

از این گذشته حسب روایات، قبر هرکس شبانه روزی چندین مرتبه ندا می‌کند:

«من خانه تنهایی و تاریکی و وحشت هستم».^(۱)

در قرآن مجید نیز از ملکوت مورچه و سخن گفتنش با سلیمان در وادی نمل، بحث می‌فرماید و قبلاً نیز گفتگوی سلیمان پیغمبر را با «هدهد» اشاره کردیم.

مگر از غیر خدا نعمتی هست؟

یازدهمین فصل این کتاب، با «اختصاص داشتن حمد، به خدای تعالی» شروع می‌شود. همه حمدها در کلمه الحمد لله گنجانیده شده و هرگونه ستایشی است، برای خداست حتی در امور اختیاری بشر نیز «حمد»، سزاوار خداست؛ یعنی شفا از خداست، نه طیب، سیرابی از خداست، نه آب و سیر شدن نیز از خداست، نه نان.

خداست که تأثیر را به اسباب داده است، اما بی خبران از غیر خدا می‌بینند! میوه جالب همچون هندوانه شیرین را از زمین یا طبیعت می‌بینند! سپس مردم را بر حذر می‌دارد که مبدا شرک بورزند و غیر خدا را سزاوار ثنا بدانند:

«هنگامی که آنان را از غرق شدن نجات داد، مؤمن و موحد گردند، ولی وقتی به خشکی در آمدند، دوباره به حال نخستین برگردند.»^(۱)

سپس شهید آیه الله دستغیب برای تمرین توحید در مقام حمد، راهنمایی می‌فرماید که: هرگز از خود، یا دیگری بالاستقلال ستایش نکن؛ هرگز مخلوقی را در ستایش، ردیف خدا قرار نده.

آنگاه با بیان دو سه داستان و مثال، حقیقت را آشکارتر و بیم و امید را تنها نسبت به خدا بیان می‌کند.

نعمتهای باقی، ارزشمندتر است

به مناسبت ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ نمونه‌هایی از تربیتهای الهی را در موجودات عالم بر می‌شمارد؛ از کھکشانها و کشفیات حیرت‌انگیز اخیر، از نور و حرارت خورشید به عنوان انفاق الهی و از تبخیر دریاها برای باران و شیر حیوانات برای بهره برداری مردم سخن می‌گوید.

در عین حال، مناسب مقام ابدیت حق تعالی را در نعمتهای باقی او می‌داند؛ نعمتهای روحی و معنوی به کار مؤمن می‌خورد و باید برای بهره برداری از نعمتهای باقی، تحصیل استعداد کرد تا برسد به حدی که شخص، هستی‌اش را با خدا معامله کند.

نمونه‌هایی از تربیت الهی

در سیزدهمین بخش مقدمه‌ای عنوان می‌کند که: مصیبت حقیقی آن است که به دین شخص بخورد، نه به دنیایش و مصیبت مادی قابل تحمّل است. آنگاه از این مقدمه چنین نتیجه می‌گیرد که: حمد غیر خدا مصیبت در دین است.

سپس سخن را به این جا می‌کشانند که چرا منحصرأ خداوند سزاوار حمد است؛ چون همه موجودات را تربیت می‌کند؛ ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

است و تربیت هر موجود، به کمال مطلوب رساندن آن موجود است. پس از آن، اطلاقات مختلف کلمه «عالم» را بر می شمارد و از نامهای شریف پروردگار در این زمینه مدد می جوید. تربیتهای مختلف خداوند را در عالم جمادات، نباتات، حیوانات ذکر می کند. از جو زمین و تعدیل حرارت آفتاب از سنگهای آسمانی و سوزاندنش توسط جو زمین، از ایجاد شرایط حیات در زمین، یاد می کند.

در خاتمه سخن، فقراتی از مناجات امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می کند و مخصوصاً از عظمت اسم «رب» سخن می گوید که همه پیغمبران دعاهایشان را با نام شریف «یا رب» شروع می کردند.

اهمیت و ترقی برای دوام بندگی است

چهاردهمین بخش با عنوان «یکتا پرستی خدا» شروع می شود، در ضمن آیه شریفه: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و یاری جستن در صراط مستقیم بندگی.

نکته ای که شهید بزرگوار بر آن تأکید دارد آن است که: ترقی انسان در یکتا پرستی است و مهم در استمرار حال یکتا پرستی است.

در صفحات دیگر این بخش، الطاف خدا را در طرد شیاطین می خوانیم و به طور کلی، ما را راهنمایی می کند که چه نسبت به شیطان خارجی، یا نفس و هوای شیطان داخلی، باید به لطف خدا امیدوار بود و از خدا مدد جست [و] در شرور دنیوی نیز از خدا مدد جوییم.

سپس درباره کسی که خداوند به خودش واگذارش نموده و یاری اش نکرد، سخن می گوید و داستان جالب «جریح عابد» را برای شرح و شاهد مطلب می آورد و در حاشیه مطالب، از اثر سوء نفرین پدر و مادر، برحذر می دارد.

یک مرتبه بارقه لطف خدا

نمونه ای از لطف خدا را در جریان ساحرین فرعون، در برابر موسی یاد می کنند که چگونه بارقه لطف خدا جهید و در کمتر از ساعتی، آنان را از شرک و کفر، رو به خداپرستی و جهاد در راه خدا و مقاومت کشانید. یا همسر فرعون، چگونه مردانه در برابر شوهرش ایستاد و شهید شد. در هر حال، هیچ کس نباید از درگاه خدا نومید گردد حتی نسبت به آن پسر بدکار که در آخرین ساعات عمرش، مشمول عفو و رحمت خدای تعالی قرار گرفت و داستانش را در همین کتاب، در همین بخش می خوانید.

تکامل موجودات، غرض از آفرینش آنهاست

پانزدهمین فصل، با هدف آفرینش شروع می شود که برای رسیدن به کمال هر موجودی است؛ مثلاً |گوشت| حیوان، جزء |بدن| انسان گردد. صامت و ساکت بود، ناطق شود، اما جزء بدن کافر گردد، حرامش باشد، یا وقتی جزء بدن گنهکار شود، قبلاً اذیتی نداشت، حالا اذیت هم دارد. شهید آیه الله دستغیب ضمن این بخش، از مواعظ متعددی، خواننده

را بهره‌مند می‌فرماید و راستی مرگ را رستگی از مزاحمتها می‌شمارد. راه خدا پرستی را باید از دستورات خودش یاد بگیریم. سپس برای نماز اول وقت و با جماعت، تأکید می‌فرماید و بطلان بعضی از پندارهای باطل را خوب آشکار می‌سازد. قسمت معظم این بخش را مواعظ تشکیل می‌دهد. با داستانها از یأس جلوگیری می‌کند و به خدا و لطفش امیدوار می‌سازد.

استعانت هم تنها از خدا

شانزدهمین فصل در ﴿إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ است و استعانت را از لوازم زندگی بشر می‌داند و آن را به «استعانت در عبادات» و «غیر عبادات» تقسیم می‌کند.

اصلاً درخواست و استعانت از غیر را ناپسند می‌شمارد و مخصوصاً از آنان که برای زیاد کردن ثروت، وام می‌گیرند سرزنش می‌نماید و سفارش پیغمبر ﷺ را در این زمینه یادآور می‌گردد.

از فقراتی از صحیفهٔ سجّادیه (دعای ۳۸) - که در کتاب «مظالم» مشروحاً آمده است - به خطر «شرک» در مقام درخواست از دیگری اشاره می‌کند. اصلاً چرا مخلوق به خانهٔ غیر خدا روی آورد که اگر طرف به او داد، گرفتار ثنای استقلالی به او شود و اگر از او منع کرد، گرفتار کینه و دشمنی‌اش شود؟

آنگاه یاد آور می شود که مؤمن نباید به غیر مؤمن روی آورد. از مخالف، چیزی نطلب که مبادا بر تو حقی پیدا کند. از کسانی که در شرع، چیز طلبیدن از آنان مکروه است، یاد می کند؛ از [انسان] بی اصل و بی حیا، از تازه به پول رسیده. آنگاه شهید آیه الله دستغیب صفحاتی چند درباره ذلت سؤال از غیر خدا و در عین حال، ارزش رد نکردن سائل، بحثها می فرماید.

صراط مستقیم واجبات و محرمات

در هفدهمین بخش به مناسبت «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، [آن] بزرگوار، امر به معروف و نهی از منکر را ضروری اسلام دانسته و عدالت اجتماعی را در پرتو آن می داند.

امر به معروف و نهی از منکر باید از روی دلسوزی باشد، نه از روی قلدری. و نخست باید احکام معروف و منکر را دانست تا در مواردی که پیش می آید، مبادا به جای معروف، به منکر واداریم و به جای نهی از منکر، از معروف، نهی نماییم.

سپس آن بزرگوار تأکید می نماید که باید جمعه ها را به درس دینی بپردازید و حتماً احکام مورد ابتلایتان را یاد بگیرید.

بچه هایتان را نمازخوان بار بیاورید و برای نهی از منکر از جیب تان پول خرج کنید و سفارشهای دیگری که بخش معظمی از این فصل را در بر گرفته است.

صراط علم و عمل و اخلاق اسلامی

در هجدهمین بخش این کتاب، از شبهه‌ای که ممکن است برای بعضیها پیش بیاید؛ همان طوری که برای علقمه در زمان علی علیه السلام پیش آمد، پاسخ می‌دهد. [مگر] مسلمانان صراط مستقیم را نیافته‌اند که مکرر در نماز از خدا می‌خواهند؟ اما معنی‌اش دوام و ثبات بر صراط مستقیم است؛ آن را که خدا داده از او می‌خواهیم: ما را ثابت قدم فرماید.

آنگاه شرح وافری دربارهٔ صراط اعمال و عقاید نقل می‌فرماید و شواهدی از روایات و برنامهٔ ائمهٔ هدی علیهم السلام ذکر می‌کند؛ از مواعظی که ممکن است برای یک نفر پیش بیاید و هدایتش را خداوند در شنیدن و به کار بستن آن شناخته و از «شرح صدر» به عنوان آخرین هدایت خاص یاد می‌کند.

توفیق، به برکت هدایت خاص

نوزدهمین و آخرین بخش فعلی این کتاب را در شرح همین جمله: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ گذرانیده است:

خدایا! با توفیقات خاص و هدایت ویژه‌ای که می‌کنی، ما را هدایت فرما که هدایت عامت را به کار بندیم.

نمونه‌ای از هدایت خاص را در مراعات خشنودی خدا به جای خشنودی نفس می‌داند و از آن جمله تقویت فهم و الهام انسان را به توسط ملک.

به برکت هدایت خاص، دل روشن می‌گردد و حقیقت نعمت، حاصل می‌گردد.

سخن زیاد گفته شد و با هر جمله‌ای، افسوسی همراه. چه گوهر گران‌قیمتی بود که به سادگی از میانمان رفت؛ چه مخزن و مرکز خیری برای اجتماع امروز ما بود.

آری، شهید آیه الله سید عبدالحسین دستغیب از شخصیت‌های کم نظیری بود که هنوز آن‌گونه که بود، شناخته نشده است، باشد که نسل، یا نسل‌های بعد به حقیقتش آشنا تر گردند.

خداوند! روانش و روان نواده شهید همراهش فرزند عزیزم سید محمد تقی و سایر همراهانش را غریق رحمت تازه‌ای بفرما.
آمین یا رب العالمین

سید محمد هاشم دستغیب

به تاریخ ۶۲/۴/۵